

ادبیات در جهان

پول سازترین جنایی نویسان انگلیسی

■ در رقابتی سخت بین ایان فلمینگ، خالق جیمز باند و آگاتا کریستی، ملکه جنایت، فلمینگ توانست لقب پول‌سازترین جنایی‌نویس تاریخ ادبیات بریتانیا را



از آن خود کند و بااختلاف اندکی بالاتر از کریستی بایستد. در این فهرست که برای نخستین بار تهیه شده است، هر نوع درآمد ناشی از آثار این نویسندگان لحاظ می‌شود. حق فروش کپی‌رایت برای ترجمه، حق فروش کتاب برای سینما، فروش کتاب در دوران‌های گوناگون و به زبان‌های مختلف، همه لحاظ شده است و نتیجه این بوده که بیشتر نویسندگان این فهرست پس از مرگ‌شان بیش‌تر از زمان حیات خود درآمدزایی کرده‌اند. در مورد فروش خود کتاب ایان فلمینگ بیش از صد میلیون پوند فروخته است و آگاتا کریستی دقیقاً صد میلیون. آمار فروش بلیت‌های تئاتر «تله موش» که از سال ۱۹۵۲ تا به امروز در لندن اجرا می‌شود و رکورد طولانی‌ترین اجرای تاریخ تئاتر جهان را به خود اختصاص داده است، بخشی از این آمار فروش کتاب کریستی است. بین نویسندگان زنده بریتانیایی، بالاترین رقم متعلق به جفری آرچر است که پس از کریستی و فلمینگ با فروش ۷۰ میلیون پوندی در ده سوم ایستاده. آرچر قرار است امثال رمانی پنج‌جلدی منتشر کند. رده بعدی از آن کن فولت، همسر وزیر کار بریتانیاست که مجموعه آثارش تاکنون ۵۰ میلیون پوند برایش سود به همراه داشته است. پس از او دیک فرانسیس مشهور قرار دارد، نویسنده جنجالی انگلیسی که کتاب‌هایش همواره کتاب بالینی ملکه الیزابت بوده‌اند. روث ندل و ایان ریکین در ده‌های بعد ایستاده‌اند. اما فهرست مشابهی نیز برای ادبیات آمریکا منتشر شده است و به نظر می‌رسد وضع نویسندگان آنجا از بریتانیا بهتر باشد. در صدر این فهرست جان گریشام ایستاده است. با درآمد ۶۰۰ میلیون دلاری که اگر به پوند تبدیلیش کنیم می‌شود۳۶۶ میلیون، بیش از سه و نیم برابر ایان فلمینگ بریتانیایی که نفر اول فهرست خود بود. فرد نوم ن براون است، نویسنده جنجالی «رمز داوینچی» که آثارش جان تازه‌ای به بازار کتاب‌های پر فروش بخشید. ن براون تاکنون حدود ۴۰۰ میلیون دلار از محل فروش کتاب‌هایش درآمد داشته است. پس از او پاتریشا کورنول و مایکل کرایتون ایستاده‌اند که درآمد هر دو آنها حدود ۳۰۰ میلیون دلار است. مایکل کانلی با ۲۵۰ میلیون دلار در رده بعدی است و تامس هریس، المور لئونرد و جیمز لروی در رده‌های بعدی ایستاده‌اند.

سری جدید کتاب‌های دوباتن

■ آلن دوباتن،

نویسنده‌ای که با کتاب «چگونه پروست می‌تواند زندگی شما را دگرگون کند» یک‌شنبه و ده‌ساله را پیمود، وعده داد انتشار کتاب‌های جدیدش که مجموعه‌ای است از کتاب‌های کم‌حجم با موضوعات مختلف به زودی آغاز خواهد شد. در این کتاب‌ها دوباتن با همان رویکرد فلسفی آشنا و نثر جذابیش سراغ گستره بسیار وسیعی از موضوعات مختلف رفته، از مسایل جنسی بگیر تا فیلسوفان یونانی. این کتاب‌ها در حقیقت قرار است متن مکتوب سخنرانی‌های او در «مدرسه زندگی» پاریس باشند، که پس از هر سخنرانی در هیات کتاب منتشر خواهند شد. خود دوباتن از این تجربه بسیار ذوق زده است. معتقد است این کتاب‌ها تجربه‌های دوران ساز خواهد بود و سنتی را احیا خواهد کرد که پیش‌روانش سسکا و اپیکور هستند. به زعم دوباتن سخنرانی‌ها و کتاب‌هایی که در حل معضلات اخلاقی و عملی زندگی روزمره افراد را یاری می‌رسانند ریشه در خطابه‌های رومی دارد، اما در عصر مدرن به انحراف کشیده شده‌اند و مبتذل ترین فرآورده‌های بازار کتاب با چنین موضوعاتی منتشر می‌شوند. دوباتن هدف خود را از انتشار این مجموعه احیای آن سنت گران قدر رومی می‌داند. انتشار این کتاب‌ها از بهار ۲۰۱۲ آغاز خواهد شد. هنوز هیچ خبری از محتوای کتاب‌های جدید دوباتن منتشر نشده است.

رمانی از فیتز جرال در نمایشگاه کتاب

■ «ریبا و ملعون» اثر

فیتز جرال اثری دیگر از نویسنده رمان «گتسی بزرگ» در نمایشگاه کتاب امسال منتشر می‌شود. به گفته سهیل سسمی به ایسناوی از مدت‌ها پیش، ترجمه رمان «ریبا و ملعون» اثر فیتز جرال را به انتشارات ققنوس سپرده است، که اخیراً مجوز این اثر آمده و در بیست و چهارمین نمایشگاه کتاب تهران عرضه خواهد شد. به گفته او، رمان «ریبا و ملعون» مانند دیگر آثار فیتز جرال، پخته شدن جوان‌های رمانتیک و خام را در بستر جامعه آمریکایی بیان می‌کند. این اثر و دیگر آثار فیتز جرال، در واقع سق گمانه‌های است برای پایان دوران رمانتیک و شروع دورانی که فقط واقعیت‌های سرکوب‌گر دارد. معروف‌ترین رمان او، «گتسی بزرگ»، برای اولین بار در سال ۱۹۲۵ منتشر شد. این رمان به قلم کریم امامی در زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است.

ادبیات جهان

مروری بر ویژگی های نوشتار آر تور شنیتسلر

لغزندگی نفس در عصر گذار

داکتر اورنژ / مسعود صدیقی



موتیف‌هایی را در آثار بسیاری از نویسندگان آن عصر می‌توان یافت. مهم این است که روایت هم‌زمان اواز «جهان زیرین و جهان زیرین»، با روایت کسانی چون روبرت موزیل و هوگو فون هوفمانشتال، تفاوت بنیادین دارد. شنیتسلر عرصه نفوذناپذیر نمی‌شناسد به زعم او هر آنچه در ذهن و روان افراد حادث می‌شود قابل روایت کردن است و همین است که به هیچ شکلی از رازآلودگی اجازه تداخل در کارش را نمی‌دهد. برای او امر غریب و نفوذناپذیر معنا ندارد. شاید همین است که بین نویسندگان آن عصر، شنیتسلر تنها کسی است که با جسارتی مثال زدنی به نظر به‌ای زن ستیزانه و نژادپرستانه کسانی مثل اتو واپنینگر و هیوسمن استوارت چمبرلین حمله می‌کند. به خصوص نمایشنامه‌های او پر است از شخصیت‌هایی که حرف و عمل‌شان سراپا متضاد است، روشنفکرانی که در باب حقوق زنان و کارگران داد سخن می‌دهند و در عمل متحجرترین رفتارها را در قبال اطرافیان‌شان پیش می‌گیرند.

در نمایشنامه‌نویسی، شنیتسلر به وضوح تکلیف خود را با اشکال آشنا و کلاسیک مولودرام روشن کرده است. او با اتخاذ رویکردی کاملاً زمینی و این جهانی، هر شکلی از راز و هر موفداری را که بصاد آور چیزی نامتعارف و غیر خاکی باشد، از دخالـت ماورایی بگیر تا تریلر به سبک گوتیک، از آثارش حذف می‌کند. اما امر غریب، آن عنصر نامتعارفی که حامل ضربه نهایی نمایشنامه است، همیشه در آثارش وجود دارد. مهارت شنیتسلر در این است که امر غریب همواره از دل‌پست‌ترین و بیش یافتاده‌ترین جلوه‌های زندگی روزمره سر برمی‌آورد. نقطه اوج غریب و شگفتی در آثار او دقیقاً همین تعاملات و مواجهات عادی آدم‌هاست

آخرین اثر ترجمه‌شده آر تور شنیتسلر در ایران، رمان کوتاهی به نام «بازی در سپیده‌دم» است که به تازگی توسط نشر نیلوفر منتشر شده است. بازی در «سپیده‌دم» و «رویا» عنوان دو نـوول از این نویسنده است که با ترجمه مترجم مطرح ادبیات آلمان، اصغر علـی حداد منتشر شده است. حداد در مقدمه این کتاب درباره «بازی در سپیده‌دم» می‌نویسد: در «بازی در سپیده‌دم» شنیتسلر یک‌بار دیگر به موضوع مورد علاقه خود، برد و باخت، ضرورت و تصادف، آرزو و واقعیت می‌پردازد. نوول «رویا» مشهورترین و چه‌بسا پخته‌ترین اثری است که شنیتسلر در آن به روانکاوی شخصیت اثر خود می‌پردازد. از روی این نوول فیلم مشهور چشم‌ان بازیسته اثر استنلی کوبریک ساخته شده است. آر تور شنیتسلر نویسنده هم‌دوره ز یگموند فروید است و در کلیه آثار او شکلی از تحلیل‌هایی روانکاوانه دیده می‌شود.

داستان ذهنیتی که خود به وضوح ناپخته و میان‌مایه عادی روزمره‌ای که به کرات تکرار می‌شوند و به واسطه قرار گرفتن در موقعیتی دراماتیک ناگهان هولناکی و فریبی که در پس‌شان نهفته بیرون می‌زند. همین است که تقریباً در تمام نمایش‌نامه‌های او، هیچ دو نفری یکدیگر را نمی‌فهمند. اما منتقدان معاصر شنیتسلر هر گز روی خوبی به او نشان ندادند. بسیاری او را نویسنده‌ای غیرجدی می‌دانستند، به این دلیل که از موضوعات بزرگ نمی‌نوشت و برای بازنامه‌یی «روح زمانه» از طریق رمان‌های حجیم تلاشی نمی‌کرد. حتی طرفداران او، مثلاً منتقد مشهوری به نام سول لیپزین که به ستاینده پر و پا قرص «دیاالوگ‌نویسی شنیتسلر، ذکاوت درخشان و طنز ظریف» اوست، در مجموع شنیتسلر، را از صداهای

خبر

اشعار کوتاه در باره ادبیات فارسی



■ سید محمود حدادی از انتشار کتاب «دیوان شرقی و غربی به گوته» شامل ۲۶۰ شعر و مقاله از این شاعر آلمانی درباره ادبیات فارسی خبر داد که در نمایشگاه کتاب

نقد شنیتسلر بر ادبیات مدرن‌ستی که البته از طریق آثارش رخ می‌دهد؛ نقدی است جدی و در صحت آن کمتر می‌توان شک کرد. شنیتسلر معتقد بود مدرنیته برای تکوین زندگی شخصیت‌ها گزینـه‌های متعددی را پدید آورده که یکی‌شان زندگی تراژیک است. نویسندگان اغلب بر همین سـویه تراژیک با اصـوار بسیار پای فشرده‌اند و از دیگر گزینـه‌ها غافل مانده‌اند. به همان میزان که سرنوشت انسان مدرن می‌تواند تراژیک باشد، ممکن است بی معنا و ابلهانه نیز باشد. ممکن است پایان حیات او به حادثه‌ای بی معنا و تصادفی غیرمنتظره گره بخورد و همگی این پایان‌ها به یک اندازه می‌توانند منشأ تولید ارزش ادبی باشند. شنیتسلر از طریق شخصیت‌هایش به خوبی معضلاتی را آشکار می‌کند که در بازنامه‌ی‌های مولوداماتیک و تراژیک از روابط اشخاص با یکدیگر و روابط آنان با جامعه وجود دارد و به تندی حمله می‌کند به افرادی که غیرمسئولانه چنین روایت‌هایی را منتشر می‌کنند و بر آذهـان حساس تاثیرات نامطلوب بر جـا می‌نهند. شنیتسلر مصرا نه همه جانـشان می‌دهد که در آغاز واپسین قرن از هزاره دوم برای حل مشکلات شخصی راه‌های متنوعی پیدا شده است و مرگ عاشق یا معشوق، چه به واسطه خودکشی و چه مرگ از غـم و اندوه، عقب‌افتاده‌ترین و لوس‌ترین این‌راه‌هاست. شنیتسلر همواره در برابر هر گونه قهرمان‌باوری و قهرمان‌بازی ایستاد و موضع‌گیری او در زمان جنگ جهانی اول که از اول تا آخر بر صلح‌طلبی و پایان زود هنگام جنگ تاکید داشت، نشانه‌ای از این باور اوست. از این نظر بنیان شاعران و نویسندگان آن دوران چهاره‌ای منحصـر به‌فرد بود.

اما با وجود تفاوت‌های جدی شنیتسلر با معاصران خود، می‌توان کار او را کنار دستاوردهای دورانی که به «پایان قرن» مشهور است، قرائت کرد. شنیتسلر در زمره مهم‌ترین چهره‌های پروژه یافتن بیان نوین برای توصیف واقعیت مدرن است. پیش از او گوته با خلق شخصیت ورنر تلاش کرده بود برای توصیف این انسان دگرگون‌شده بیانی بیابد. سـتوان گوستل شنیتسلر ورت نیست، هر چند در دو موقعیت کاملاً متفاوت این جایگاه تعریف می‌شود. او نیز مانند ورت‌ر در تنهایی و تک‌افتادگی از جهان کار و تلاش روزمره است که به نوعی تامل در نفس دست می‌یابد، از طریق فاصله گرفتن از جامعه است که می‌تواند بلاهت‌های اخلاق بورژواسی را درک کند. مردان جوان آثار شنیتسلر که تلاش می‌توانند به راحتی زیر بار نقش‌ها و وظایفی بروند که جامعه پیشاپیش بدون پرسیدن نظرشان برای آنان لحاظ کرده است به جبران مافات این می‌خیزند و تلاش می‌کنند از طریق دامن‌زدن به احساسات و هیجانات عاطفی شکل‌های نوینی از تجربه را برای خود فراهم سازند، درست مثل ورت‌ر گوته. اینان کم‌کم نفسی را کنار می‌گذارند که جامعه برایشان تدارک دیده است و از طریق تعامل و گفت‌وگو با زنان یا مردان دیگری نظیر خویش، معنای جدیدی از نفس را می‌یابند. با این همه، شخصیت‌های شنیتسلر با ورت‌ر جوان تفاوتی کلیدی دارند؛ ورت‌ر همچون نویسندگان همواره در رابطه با احساسات حفظ حداقلی از فاصله را ضروری می‌دانند.

در مجموع اگر بخواهیم بر یک مضمون به عنوان مهم‌ترین مفهوم تکرار شونده در کار شنیتسلر تاکید ورزیم، آن مفهوم بی‌شک جنسیت است. منتقدان بسیاری به زبان‌های مختلف و سواس شنیتسلر نسبت به امر جنسی را ناشی از فقدان بینش سیاسی او دانسته‌اند و حتی اشاره کرده‌اند که تاکید او بر مساـیل جنسی ناشی از زندگی در دورانی و شهری است که سیاست در آن دوران ر کود را می‌گذراند. اما این حرف ندیدن دست‌آورد بزرگ شنیتسلر در پیشنهاد شیوه خلاق و نوآورانه‌ای از نقد ایدئولوژی است. تحلیل موشکافانه شنیتسلر از عشق و جنسیت در پس خود حمله‌ای مستقیم به قلب ایدئولوژی طبقه متوسط است. توقعات تنظیم‌شده بر اساس تفاوت جنسیت‌ها و روابط نامتعارف جنسی صرف کژتابی‌های شخصی نیست، بخشی از تعریف هویت فرد بورژوا نیز هست. شنیتسلر این عنصر برسالانده و تعیین‌کننده هویت فرد بورژوا را آماج حملات تند خود قرار می‌دهد و از این طریق با ایدئولوژی غالب عصر خود درمی‌افتد. چه بسا عامل خشم بسیاری از منتقدان هم‌عصر شنیتسلر نیز چنین چیزی باشد. او پیکربندی‌ای از امر جنسی را وارد فضای ادبی می‌کند که از هر لحاظ بی‌سابقه است. شنیتسلر با انتخاب شخصیت‌های میان‌مایه و عادی به خوبی نشان می‌دهد فرهنگ از چه طریقی عشق‌بازی افراد بدل می‌شود به فعالیتی که در محیط سرمایه‌داری بیماراروپایی از هر گانه‌ی زوده می‌شود. مسیحیت و یهودیت، دو فرهنگي که شنیتسلر هم‌زمان تجربه‌شان کرده، هر دو پدرسالارانه و استوار بر احساس گناه‌اند. شنیتسلر سازگار شدن این دو فرهنگ با سرمایه‌داری را از طریق تحلیل روابط جنسی فاش می‌سازد.